

سیاق حکمرانی ققیما

در آمدی بر سیاست گذاری عمومی
حضرت امام خامنه‌ای در جمهوری اسلامی



مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سیاست گذاری‌های کلی نظام جمهوری اسلامی از وظایف و اختیارات رهبری است. مسئولیتی که دو نیم دهه است حضرت آیت‌الله خامنه‌ای آن را انجام می‌دهند. آنچه در این کتاب مطالعه می‌نمایید، پیش در آمدی کلی و تا حدی روش شناسانه از سیاست گذاری‌هایی که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) در دوران رهبری‌شان داشته‌اند، ارائه می‌نماید.



سياق حکمرانی فقیه

*درآمدی بر سیاست گذاری عمومی امام خامنه‌ای (حفظه الله تعالی) در جمهوری اسلامی *

❖ عنوان: سیاق حکمرانی فقیه
❖ صاحب امتیاز: اندیشکده برهان
❖ تحریریه: گروه سیاسی برهان / حسن خانی، پزشکی
❖ نویسنده: مجتبی نامخواه
❖ طراح جلد و صفحه آرا: امیرحسین نبی
❖ تاریخ انتشار: شهریور ماه ۱۳۹۳

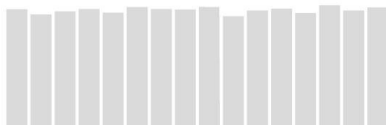
www.ourpresident.ir

نشانی:

چهارراه ولیعصر، ضلع جنوب پارک دانشجو، کوچه
شیرزاد شرقی، پلاک ۱۴، طبقه اول

تلفن: ۶۶۷۳۴۷۷۲

فکس: ۶۶۷۲۵۷۱۸



فهرست

۴	دیباچه
۶	مقدمه
۷	نقش رهبری در قانون اساسی
۸	سیاست‌ها در چارچوب امت-امامت و دولت-ملت
۱۰	مؤلفه‌های سیاست‌های غیر رسمی
۱۲	درباره‌ی سیاست‌گذاری: تدوین و ارزیابی
۱۳	تعریف خط مشی
۱۴	فرایند خط‌مشی‌گذاری
۱۵	تحلیل اقدامات رهبری در تدوین خط‌مشی
۳۵	جمع‌بندی

دیباچه

مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌گذاری‌های کلی نظام جمهوری اسلامی از وظایف و اختیارات رهبری است. مسئولیتی که دو نیم‌دهه، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای آن را انجام می‌دهند. این یادداشت می‌کوشد برای بررسی سیاست‌گذاری‌هایی که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دوران رهبری‌شان داشته‌اند، یک پیش‌درآمد کلی و تا حدی روش‌شناسانه دست بدهد. این که چگونه سیاست‌گذاری‌هایی که ایشان در دو نیم‌دهه‌ی اخیر داشته‌اند، در تداوم انقلاب اسلامی و تعالی جامعه یا در پاسخ به مشکلات اجتماعی تأثیر گذاشته است.

در این زمینه می‌توان این چنین استدلال کرد که بهتر است میان دو

دسته سیاست‌گذاری‌های رهبری انقلاب تمیز قائل شد: سیاست‌گذاری‌های رسمی در چارچوب دولت - ملت که با عاملیت اجرایی نهادهای عمومی دنبال می‌شوند و سیاست‌های غیررسمی در چارچوب امت - امامت که به شکل‌دهی توان عمومی جامعه برای حل مشکلات اجتماعی می‌پردازد.

این یادداشت بر تحلیل دسته‌ی دوم این سیاست‌گذاری‌ها متمرکز خواهد بود. همچنین موضوع این بررسی، محدود خواهد بود به اقداماتی که در زمینه‌ی تدوین سیاست‌گذاری‌ها مطرح است و دیگر مراحل فرایند سیاست‌گذاری از موضوع بررسی ما خارج است. بنابراین ابتدا مروری خواهیم داشت بر نقش رهبری در سیاست‌گذاری بر اساس قانون اساسی؛ سپس مفاهیم اساسی حوزه‌ی سیاست‌گذاری را مرور خواهیم کرد. آنگاه بر مشخصه‌های کلی سیاست‌گذاری‌های عمومی رهبر انقلاب اسلامی مروری خواهیم داشت. و نیز روش‌ها و زمینه‌سازی‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برای تدوین سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی را به بحث خواهیم گذاشت.

اندیشکده‌ی برهان که متشکل از جمعی فرزندان انقلاب اسلامی است، رسالت تعمیق بنیان‌های فکری و بسط و تسری گفتمان انقلاب اسلامی و نیز مواجهه با مسائل و چالش‌های اساسی آن را دنبال می‌نماید. این بسته‌ی محتوایی و مجموعه‌هایی از این دست، در همین راستا تولید و در اختیار مخاطبان محترم قرار می‌گیرد. نظرات و دیدگاه‌های مخاطبان فرهیخته و اندیشمند این مجموعه، تهیه‌کنندگان آن را در غنای بیشتر دیگر تولیدات این مجموعه یاری خواهد داد. امید است مقبول در گاه احدیت و مشمول عنایات حضرت ولی عصر (عج) قرار گیرد.

مقدمه

«اگر ایشان [امام خمینی (ره)] زنده بودند، صدها بار به آقای خامنه‌ای احسنت می‌گفت. دلیل این تحسین این است که آقای خامنه‌ای به خوبی توانسته نظامی که آقای خمینی (ره) ایجاد کرد را حفظ کند». شاید در نگاه اول این ارزیابی، بیان یک امر بدیهی به نظر برسد؛ اما این تحلیلی است که از سوی یکی از مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است. هنگامی که در آخرین هفته‌های سال ۱۳۸۸ خبرنگار «آبزرور» این جملات را از «ابوالحسن بنی‌صدر» می‌شنید، شاید تعجب چندان‌ی نکرد. مدیریت رهبری در فتنه‌ی ۸۸ آن قدر تحسین برانگیز بود که مخالفان هم نتوانستند از اعتراف به آن سر باز زنند. هر چند این مخالف کسی باشد در حد بنی‌صدر.

اما در ایران کسی فراموش نمی‌کند که طرفداران رئیس‌جمهور فراری و

مخلوع به حمایت از او چگونه یاران امام و مردم کوچه و بازار را به خاک و خون کشیدند؛ هر چند، سه دهه از آن زمان می‌گذرد. احتمالاً خود بنی‌صدر هم آن سخنرانی مؤثر آیت‌الله خامنه‌ای را فراموش نکرده باشد؛ در جلسه‌ای که به رأی عدم کفایت سیاسی‌اش در مجلس منتهی شد. پس با وجود این زمینه‌ها، «راز» این تحسین و اعتراف چیست؟

یکی از مسائلی که به فهم این راز کمک می‌کند تحلیل و موشکافی راهبردهای کلان رهبری در طول مدت ۲/۵ دهه‌ی اخیر است. اما مسئله این جاست که آنانی که در درون ساختار امت و امامت قرار دارند به فهم این راز نیازمندترند تا کسانی همچون بنی‌صدر که خارج از آنند.

پژوهش ذیل تلاش نموده مواردی از راهبردهای کلان رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در شکل‌دهی زمینه‌ی مساعد برای تحقق سیاست‌های کلی نظام را به مثابه درآمدهای سیاست‌گذاری کلان در جمهوری اسلامی تجزیه و تحلیل کند. منظری که پژوهش به فهم این راز می‌گشاید موضعی کاملاً درون‌گفتمانی و هم‌دلانه است. هدف اصلی از بررسی این است که با تحلیل این راهبردهای کلان به بازتولید کنش و تحرک بیشتر در چارچوب نظام امت و امامت یاری برساند.

نقش رهبری در قانون اساسی

یکی از مهم‌ترین وظایف و اختیارات رهبری در قانون اساسی در حوزه‌ی سیاست‌گذاری است.^۱ این نقش در دو حوزه‌ی «تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران» و «نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» به صورت مباشر اعمال می‌شود.^۲ اجرای خط مشی‌ها با قوای سه‌گانه و زیر نظر رهبری است.^۳ در قانون اساسی هدف کلی این سیاست‌گذاری در

۱- اصل ۱۱۰ وظایف و اختیارات رهبر، تعیین سیاست‌ها کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام.

۲- همان

۳- اصل ۵۷، قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت برطبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

چارچوب نظام امت و امامت^۱ و «تداوم انقلاب اسلام» بیان شده است.^۲

سیاست‌ها در چارچوب امت-امامت و دولت-ملت

با دقت در سیاست‌گذاری‌های رهبری انقلاب می‌توان میان دو دسته سیاست‌های کلان تمایز قائل شد: سیاست‌گذاری‌های رسمی آن دسته از سیاست‌هایی هستند که عاملیت اجرای آن‌ها اغلب متوجه نهادهای عمومی کارگزار و متولی اجرای آن هستند. این سیاست‌ها شامل موارد ذیل می‌شود: چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی (۱۳۸۲/۰۷/۲۶)؛

سیاست‌های کلی نظام در مورد برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۲/۰۸/۱۰)؛

سیاست‌های کلی نظام در خصوص اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳/۰۹/۲۱)؛

سیاست‌های کلی نظام برای پیشگیری و کاهش خطرات ناشی از سوانح طبیعی و حوادث غیرمترقبه (۱۳۸۴/۰۲/۰۳)؛

سیاست‌های کلی بند «ج» اصل ۴۴ قانون اساسی (۱۳۸۵/۰۴/۱۲)؛

سیاست‌های کلی نظام در خصوص مبارزه با مواد مخدر (۱۳۸۵/۰۷/۱۲)؛

سیاست‌های کلی قضایی پنج ساله (۱۳۸۸/۰۹/۰۲)؛

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه توسط رهبر معظم انقلاب (۱۳۸۸/۱۰/۲۱)؛

سیاست‌های کلی نظام اداری (۱۳۸۹/۰۲/۰۱)؛

ابلاغ سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف از سوی رهبر معظم انقلاب

۱- اصل ۵، در زمان غیبت حضرت ولی عصر «عجل‌الله تعالی فرجه» در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت برعهده فقیه‌عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدبر و مدبر است که طبق اصل یکمصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

۲- بند ۵ اصل دوم، امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.

؛(۱۳۸۹/۰۴/۱۵)

سیاست‌های کلی ابلاغی توسط مقام معظم رهبری در بخش امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات (۲۹/۱۱/۸۹)؛

سیاست‌های کلی ابلاغی توسط مقام معظم رهبری در بخش پدافند غیر عامل (۸۹/ ۱۱/۲۹)؛

سیاست‌های کلی ابلاغی توسط مقام معظم رهبری در بخش تشویق سرمایه‌گذاری (۸۹/۱۱/۲۹)؛

سیاست‌های کلی ابلاغی توسط مقام معظم رهبری در بخش مسکن (۸۹/۱۱/۲۹)؛

سیاست‌های کلی ابلاغی توسط مقام معظم رهبری در بخش شهرسازی (۸۹/۱۱/۲۹)؛

سیاست‌های کلی ابلاغی توسط مقام معظم رهبری در امور ایثارگران (۸۹/۱۱/۲۹)؛

سیاست‌های کلی ابلاغی توسط مقام معظم رهبری در اشتغال (۹۰/۰۴/۲۸).

با تأکید رهبر انقلاب بر مطابق قانون اساسی، عاملیت طراحی سیاست‌گذاری‌های کلان با شخص رهبری است و نقش مشورتی مجمع «تشخیص مصلحت نظام» نافی نقش رهبری نیست:

«نباید هم تصور شود که این سند [چشم‌انداز] یا سیاست‌های کلی را کسانی نوشته‌اند و دارند تنظیم می‌کنند؛ نه. درست است که این‌ها یک فرایندی دارد و از یک جاهایی شروع می‌شود؛ لیکن آن کسی که در این زمینه کار و فکر می‌کند و تصمیم می‌گیرد، خود رهبری است؛ این سیاست‌ها، سیاست‌های رهبری است. این‌ها چیزهایی است که با توجه به همه‌ی جوانب ملاحظه شده و این سند چشم‌انداز درآمده است و بر اساس سیاست‌های کلی‌ای که در این مدت وجود داشته، اعلام شده است. این‌ها

باید در برنامه‌ها رعایت شود و نباید تخلف شود.^۱

در برابر سیاست‌گذاری‌های غیر رسمی که به نوعی در فضایی متمایز از فضای رسمی و در فضایی اجتماعی پیگیری می‌شوند. تعریف این دسته از سیاست‌گذاری‌ها تا حدودی دشوار و از موضوع این یادداشت خارج است؛ اما شاید بتوان تمییز میان این دو سطح سیاست‌گذاری را این چنین توضیح داد که دسته‌ی اول سیاست‌ها را می‌توان سیاست‌هایی در چارچوب دولت و ملت، دسته‌ی دوم سیاست‌ها که از ویژگی‌های نظام جمهوری اسلامی است را در چارچوب امت - امامت تعریف کرد. منظور از چارچوب، پارادایم و منطق مشروعیت‌بخش به این سیاست‌ها است.

مؤلفه‌های سیاست‌های غیر رسمی

اگر بخواهیم مروری کلی بر مؤلفه‌های سیاست‌های غیر رسمی داشته باشیم می‌توان به سه مورد کلان اشاره کرد:

۱، ۱ سیاست‌گذاری در چارچوب امت - امامت

صاحب‌نظران با جمع‌بندی تعاریف خط مشی‌گذاری این چنین نتیجه گرفته‌اند که تعریف‌های خط مشی در این دو ویژگی مشترکند: «عامل خط مشی‌گذاری عمومی دولت است و خط مشی عمومی بیانگر خواسته‌ها و انتظارات بخش عمومی است»^۲. بر این اساس می‌توان گفت آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه‌ی سنتی که امام خمینی (ره) در سیاست‌گذاری نظام جمهوری اسلامی پایه‌گذاری می‌کنند گونه‌ای جدید از پاسخ به مشکلات عمومی و خط مشی را پیش می‌کشند که در آن‌ها عاملیت اجرای سیاست‌ها صرفاً با دولت (به معنای عام) نیست.

۱ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت؛ سال ۱۳۸۵

۲ - رحمت‌الله قلی‌پور، تصمیم‌گیری سازمانی و خط مشی‌گذاری عمومی، دوم، تهران، سمت، ۱۳۸۹، صص ۹۷-۹۸

مشروعیت و اعمال خط مشی نیاز به قدرت دارد. در نظام‌های سیاسی مدرن، این قدرت در چارچوب دولت - ملت^۱ تعریف می‌شود. از همین روی خط مشی‌گذاری متداول در چارچوب دولت - ملت امکان می‌یابد. اما با وقوع انقلاب اسلامی زمینه‌ی این سیاست‌گذاری را تغییر یافته است؛ علاوه بر سیاست‌گذاری‌های معلول به وسیله‌ی دولت در وجه عام، پاسخ به مشکلات در چارچوب امت و امامت انجام شود.

۱,۲ سیاست‌گذاری مردمی

با توجه به تعاریف مطرح شده از خط مشی‌گذاری، می‌توان تعریف ذیل را از سیاست فرهنگی دست داد: «سیاست فرهنگی مجموعه‌ای از هدف‌های آرمانی، عملی و ابزاری است که گروهی آن را دنبال می‌کنند و قدرتی آن را به کار می‌برد».^۲

و نیز سیاست‌گذاری فرهنگی را این چنین تعریف نمود:

«سیاست‌گذاری فرهنگی نوعی توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تعیین و تدوین مهم‌ترین اصول و اولویت‌های ضروری در فعالیت‌های فرهنگی و به عبارت دیگر راهکار و دستورالعمل برای تعیین اولویت برنامه‌های فرهنگی برای مدیران فرهنگی خواهد بود».^۳

بر اساس این تعاریف می‌توان گفت آیت‌الله خامنه‌ای شناخت انقلاب اسلامی را، خاستگاه تدوین مهم‌ترین اصول و تعیین اولویت‌ها در سیاست‌گذاری می‌داند. این نگاه تغییرات قابل توجهی در چگونگی خط مشی‌گذاری به وجود می‌آورد. آیت‌الله خامنه‌ای نوعی رویکرد مردمی را در سیاست‌گذاری‌ها دنبال می‌کنند؛ به این معنا که توافق نظر مسئولان و مردم

1- .. nation/ state

۲- ۱۰ اگوستین ژیرار، توسعه‌ی فرهنگی، تجارب و سیاست‌ها به نقل از: بررسی آسیب‌شناسانه‌ی سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی ایران بعد از انقلاب اسلامی نام‌هی پژوهش فرهنگی ش ۴

۳- . سیاست‌گذاری فرهنگی امور کشور از دیدگاه امام خمینی(ره)

را در باره‌ی سیاست‌ها لازم می‌دانند.

۱,۳ سیاست‌گذاری فرهنگی به مثابه سیاست‌گذاری عمومی

تغییر عمده‌ی دیگری که آیت‌الله خامنه‌ای در سیاست‌گذاری‌ها پیش می‌گیرند، نوعی «روح فرهنگی» است که در همه‌ی سیاست‌ها جاری می‌شود. این رویکرد از نقش بنیادینی که آیت‌الله خامنه‌ای برای فرهنگ قائل هستند، سرچشمه می‌گیرد. ایشان سیاست‌های فرهنگی را تعیین‌کننده‌ی خطوط کلی فعالیت همه‌ی مدیران می‌دانند، نه آن‌چنان که در تعریف آمد، تنها خطوط فعالیت مدیران فرهنگی را شامل شود. این همان رویکردی است که در ادبیات رهبر انقلاب از آن به «پیوست فرهنگی» برای همه‌ی طرح‌ها یاد می‌شود و در تمایز میان مهندسی فرهنگی و مهندسی فرهنگ بر روی آن تأکید می‌شود.

در واقع؛ می‌توان رویکرد آیت‌الله خامنه‌ای را در تداوم سنت امام خمینی (ره) در سیاست‌گذاری نظام جمهوری اسلامی، «سیاست‌گذاری فرهنگی به مثابه سیاست‌گذاری عمومی» دانست. این رویکرد بر اساس دو مؤلفه‌ی اخیر قابل تشریح است: هم از این جهت که انقلاب اسلامی و آیت‌الله خامنه‌ای برای مسائل عمومی، پاسخی فرهنگی دارند (سیاست‌گذاری عمومی در برابر سیاست‌گذاری حوزه‌ی فرهنگ) و هم به این معنا که عاملیت را در بخش مهمی از سیاست‌گذاری‌ها به مردم می‌دهند (در برابر سیاست‌گذاری دولتی).

درباره‌ی سیاست‌گذاری: تدوین و ارزیابی

سیاست‌گذاری یک عرصه‌ی به غایت هنجاری است؛ به این معنا تا حد زیادی تحت تأثیر پارادیم‌های مختلف معانی و کارکردهای متفاوتی است. در اینجا تعاریفی کلان از قدر متقن دانش سیاست‌گذاری را مبنا و منظر بررسی تحلیلی سیاست‌گذاری‌ها آیت‌الله خامنه‌ای قرار می‌دهیم.

تعریف خط مشی

خط مشی عمومی در معنای کلی خود عبارت است از یک تصمیم در برابر یک مشکل عمومی. ویلیام جنکینز^۱ خط مشی را این چنین تعریف کرده است: «مجموعه تصمیمات متعامل بازیگر یا گروهی از بازیگران سیاسی در مورد انتخاب اهداف و ابزار دستیابی به آنها در شرایط مشخص به شرط آن که این تصمیمات قانوناً در چارچوب اختیارات بازیگران باشند.»^۲ جیمز اندرسون^۳ هم تعریف دیگری در باب خط مشی عمومی پیش کشیده است: «مجموعه اقدامات هدف مدار بازیگر یا بازیگران برای برخورد با مسئله یا مشکل عمومی»^۴ توماس دای^۵ هم در تعریف خط مشی گذاری می گوید: «هر آنچه حکومت انتخاب می کند انجام دهد، یا انجام ندهد».^۶ اندیشمندی همچون پریویت^۷ و اوایلا^۸ خط مشی را «یک تصمیم پایدار» می دانند که «موجب هماهنگی در عملکردهای عمومی می شود.»^۹ از دیدگاه دیگری^{۱۰} خط مشی عمومی عبارت است از: «تصمیمات و سیاست هایی که به وسیلهی مراجع مختلف بخش عمومی مانند: مجلس، دولت و قوه قضائیه که نمایندهی حفظ منافع عمومی جامعه هستند، اتخاذ می شود. دولت که یک نهاد قانونی خط مشی گذاری عمومی است به صورت های مختلف مانند وضع قوانین، ضوابط و مقررات، به تبیین خط مشی عمومی می پردازد».^{۱۱}

برخی از صاحب نظران بر اساس همین تعاریف این چنین نتیجه گیری می کنند که تعریف های خط مشی در این دو ویژگی مشترکند: «عامل خط

1- . William .Jenkins

۲- رحمت الله قلی پور، ص ۹۷.

3- . James Anderson

۴- همان، ص ۹۷.

5- . Thomas Dye

۶- همان، ص ۹۷.

7- . Perwitt

8- .Eulau

۹- سیدمهدی الوانی، فتاح شریفزاده، فرایند خط مشی گذاری عمومی، ششم، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۷.

10- . Buchholz

۱۱- همان، ص ۳.

مشئی گذاری عمومی دولت است و خط مشئی عمومی بیانگر خواسته‌ها و انتظارات بخش عمومی است»^۱.

فرایند خط مشئی گذاری

به طور کلی سیاست گذاری در یک فرایند سه مرحله‌ای شامل شکل گیری^۲، اجرا^۳ و ارزیابی^۴ تحقق می‌یابد. البته این فرایند در کار برخی اندیشمندان این حوزه به شش تا هفت مرحله تفصیل یافته است.

اما در یک طبقه‌بندی می‌توان سه گونه از شکل گیری خط مشئی‌ها را از هم تفکیک کرد:

«شکل گیری و تدوین عادی: یک فرایند ثابت و اساساً بدون تغییر و تدوین مجدد پیشنهادهای مشابه در یک زمینه‌ی مشخص می‌باشد که به صورت تصمیمات برنامه‌ریزی شده در سازمان‌های عمومی اتخاذ می‌شود. تهیه و تدوین قیاسی^۵: فرایندی است که ضمن آن با توجه به صورت تصمیمات برنامه‌ریزی شده در سازمان‌های عمومی اتخاذ می‌شود.

تهیه و تدوین خلاق^۶: فرایندی را که همراه با خلاقیت، ابداع و نوآوری بوده و قبلاً نمونه‌ای از آن وجود نداشته است و مسئولان خواهان موضع گیری جدیدی در قبال آن هستند»^۷.

به نظر می‌رسد تدوین بخش عمده‌ای از سیاست‌های غیر رسمی که رهبر انقلاب انجام می‌دهند را می‌توان در چارچوب تهیه و تدوین خلاق مورد مطالعه قرار داد.

۱- رحمت الله قلی پور، صص ۹۷-۹۸

- 2- . formation
- 3- . Implementation
- 4- . assessment
- 5- . Analogous
- 6- . creative

۷- سیدمهدی الوانی، فتاح شریفزاده، ص ۸۶

تحلیل اقدامات رهبری در تدوین خط مشی

۱- مفهوم‌پردازی و تبدیل تهدیدها به فرصت با ایجاد افزوده‌ی مفهومی

فاصله نهاد علم با مسائل پیش روی جامعه، از جمله چالش‌هایی است که زمینه و امکان پاسخگویی دقیق به مشکلات مختلف را تا حد زیادی محدود کرده است. این فاصله هم در علوم اجتماعی و هم در علوم فنی و پایه وجود دارد. در این میان فاصله‌ی دانشگاه با صنعت و کشاورزی مسئله‌ای است که کم و بیش مورد توجه قرار گرفته است؛ اما همین فاصله در حوزه‌ی علوم اجتماعی کمتر مورد توجه و بررسی بوده است. نهاد علوم اجتماعی در ایران به دلایل متعددی بیشتر یک نهاد در خود و برای خود است. برون‌داد این نهاد در حوزه‌ی آموزش، اغلب تدریس نظریه‌های اجتماعی همچون متون ثابت و فلسفی است و در بخش پژوهش، اغلب مسئله‌چگونگی تطبیق این نظریات است و آن‌چه در این چرخه کم‌تر مطرح است، نظریه‌پردازی برای فهم و حل مسائل و مشکلات عمومی جامعه است.

در این میان رهبر انقلاب یکی از مهم‌ترین راهبردهایشان را ارائه‌ی صورت‌بندی مفهومی مشکلات اجتماعی و مفهوم‌پردازی برای حل آن قرار داده‌اند. رهبر انقلاب یک عالم و مجتهد مسلط به حوزه‌ی فکری معارف اسلامی است. علاوه بر حوزه‌های معمول فقه و اصول - که سال‌هاست کرسی درس خارج ایشان برقرار است - ایشان در زمینه تفسیر قرآن و متونی مانند نهج البلاغه و صحیفه سجاده، تاریخ و سیره‌ی اهل بیت (علیه‌السلام) و رجال واجد مطالعه و اثر بوده و صاحب نظر هستند: یک متفکر جامع اسلامی. می‌توان گفت تا حدود زیادی از نظر اجتماعی شخصیت حقیقی زیر سایه‌ی جایگاه حقوقی ایشان قرار گرفته و ناشناخته مانده است. این مسئله گرچه از موضوع این نوشتار خارج است؛ اما به خوبی قابل مشاهده و بررسی است. به عنوان نمونه می‌توان به یک مورد نشان دهنده‌ی این مسئله اشاره کرد؛ سال گذشته یک مؤسسه تحقیقاتی - انتشاراتی درس گفتارهای آیت‌الله خامنه‌ای در رمضان سال ۱۳۵۳ را منتشر کرد که

در وجهی استعاری و نمادین این مسئله را نشان می‌داد:

«برجستگی‌های نسبتاً مغفول مانده‌ی شخصیت حقیقی رهبر انقلاب اسلامی در زمینه‌ی معارف اسلامی، ساخت مفهومی، روش‌مند و شیوایی ارائه این چند سخنرانی ارائه شده در مسجدی کوچک و نیمه‌ساز و با مخاطب عمومی، اثری را به وجود آورده بود که همچنان و پس از گذشت چهل سال بدیع می‌نمود. وب سایت این مؤسسه خبر از استقبال مخاطبان از این اثر می‌داد و این کتاب علی‌رغم حجم بسیارش، در مدت کوتاهی بارها تجدید چاپ شد.»

منظور از طرح این مبحث - که در جای خود جای بسط بسیار دارد - تحلیل این مسئله است که نظام امت و امامت فرصت بی‌مانندی را در اختیار گذاشته است؛ فرصت قرار گرفتن یک عالم اسلامی در جایگاهی که آشنایی جامع و کاملی با مسائل عینی پیدا می‌کند. در فرصت بی‌بدیل و از دل «آمد و شده‌های» اجتهادی، روش‌مند و مداوم یک عالم برجسته‌ی دینی میان منابع تفکر اسلامی و مسائل عینی، زمینه‌ی صورت‌بندی مفهومی پاسخ به مشکلات فراهم می‌شود. مقولاتی مانند نگاه کلان به انقلاب اسلامی، مردم سالاری دینی، تحول در حوزه علمیه، نوسازی معنوی، اقتصاد مقاومتی، نهضت تولید علم، جنبش نرم افزاری و آزاد اندیشی، فتنه و مهندسی فرهنگی مواردی از ادبیات رهبری است که در این چارچوب می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد.

۲- گفتمان‌سازی

یکی از دیگر اقدامات رهبری در زمینه‌ی طرح سیاست‌های عمومی را می‌توان در چارچوب گفتمان‌سازی، مطالعه و دنبال کردن. امروزه گفتمان یک تعبیر رایج است که در بسترهای معنایی مختلف مفهوم‌های متفاوت و گاه بی‌ربط متناقضی می‌یابد بدون آن که بخواهیم در این یادداشت درباره آن تأمل و بررسی داشته باشیم؛ به معنایی که رهبر انقلاب از این واژه مراد می‌کنند می‌پردازیم. معنایی که از گفتمان‌سازی در این یادداشت و به عنوان درآمدی

بر سیاست‌گذاری رهبری انقلاب مورد نظر است، همان معنایی است که در تعریف ایشان از گفتمان‌سازی آمده است.

گفتمان در معنایی که رهبر انقلاب در کاربردهایشان مدنظر دارند از ریشه‌های معرفت‌شناختی آن فاصله گرفته و بر اساس فراگیری اجتماعی آن باز تعریف می‌شود. ایشان در یک سخنرانی در جمع روحانیون و مبلغان مذهبی به مقوله‌ی تبلیغ گفتمان‌ساز اشاره می‌کنند، اینکه «تبلیغ باید گفتمان‌ساز باشد، تبلیغ باید فضا ایجاد کند؛ گفتمان ایجاد کند» و «گفتمان یعنی یک مفهوم و یک معرفت همه‌گیر بشود در برهه‌ای از زمان در یک جامعه. آن وقت، این می‌شود گفتمان جامعه». ^۱ بر این اساس گفتمان‌سازی «با کارهای جدا جدا برنامه‌ریزی نشده، حاصل نخواهد شد؛ این کار احتیاج دارد به برنامه‌ریزی و کار فعال و مثل دمیدن پیوسته‌ی در وسیله‌ی فشاری است که می‌تواند آب یا مایه‌ی حیات یا هوا را به نقاط مختلفی که مورد نظر است، برساند. باید دائم با این دم دمید، تا این اشتعال همیشه باقی بماند. این کار هیچ نباید متوقف بشود و به برنامه‌ریزی احتیاج دارد». ^۲

بر این اساس بسیاری از بیانات عمومی، جلسات و پیام‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را می‌توان در این چارچوب تحلیل کرد. ایشان از دو منظر به طرح عمومی و اجتماعی مفاهیم بنیادین سیاست‌گذاری‌های نظام جمهوری اسلامی می‌اندیشند؛ از یک منظر طرح اجتماعی این مفاهیم روش تفکر و ایده‌پردازی درباره‌ی مسائل عمومی است. مسئله‌ای که به صراحت به آن اشاره کرده‌اند: «بحثی که امروز من مطرح می‌کنم، بحث لزوم بازشناسی الگوی توسعه و پیشرفت است. ما می‌خواهیم پیشرفت کنیم. مدل این پیشرفت چیست؟ این مدل را باید بازشناسی کنیم. در آخرین دیداری که من با دانشجویان داشتم، چند ماه قبل در سمنان ... گفتم، الان هم تکرار می‌کنم دانشگاهیان؛ چه دانشجوی، چه استاد و حوزویان؛ چه طلبه، چه استاد، همه باید این خط و رشته‌ی فکری

۱- بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون ۱۳۸۸/۰۹/۲۲

۲- همان

را تعقیب و دنبال کنند... کارهای بزرگ از ایده‌پردازی آغاز می‌شود. این ایده‌پردازی کاری نیست که در اتاق‌های در بسته و در خلاء انجام بگیرد. باید فکرهای گوناگون، اندیشه‌های گوناگون با آن سروکار پیدا کنند، تماس پیدا کنند تا آنچه که محصول کار هست، یک چیز عملی و منطقی از آب در بیاید.^۱

اما از منظری دیگر تبدیل مفاهیم بنیادین یک سیاست به یک گفتمان عمومی از این جهت دنبال می‌شود که اولاً در چارچوب نظام امت و امامت فراتر از مبحث مشارکت عمومی در سیاست‌گذاری، بخش عمده‌ای از عاملیت اجرایی سیاست‌ها به طور مستقیم با مردم است. از سوی دیگر طرح اجتماعی این مفاهیم به تسهیل اجرای این سیاست به وسیله نهادهای عمومی منتهی می‌شود:

«اعلام کرده‌ایم که این دهه، دهه‌ی پیشرفت و عدالت باشد. البته با گفتن و با اعلام کردن، نه پیشرفت حاصل می‌شود و نه عدالت؛ اما با تبیین کردن، تکرار کردن و همت‌ها و عزم‌ها را راسخ کردن، هم پیشرفت حاصل می‌شود و هم عدالت. ما می‌خواهیم مسئله‌ی پیشرفت و عدالت، در دهه‌ی چهارم به یک گفتمان ملی تبدیل بشود. همه باید آن را بخواهیم؛ تا نخواهیم، طراحی و برنامه‌ریزی و عملیات تحقق پیدا نخواهد کرد و به هدف هم نخواهیم رسید؛ باید تبیین بشود.»^۲

به ایجاد مطالبه‌ی عمومی نسبت به اجرای این سیاست‌ها کمک می‌کند و به ضامن اجرایی یک سیاست از سوی نهادهای عمومی و همچنین زمینه‌ی مشارکت عمومی در فرایند ارزیابی یک سیاست بدل می‌شود.

«بنده وقتی مسئله‌ی نهضت نرم‌افزاری را خواستم مطرح کنم، قبل از همه تو دانشگاه با دانشجویها مطرح کردم؛ حدود ده سال قبل. نه با وزارت‌ها صحبت کرده بودم، نه با رئیس‌جمهور وقت صحبت کرده بودم، نه حتی با اساتید صحبت کردم؛ اول بار در دانشگاه امیرکبیر این فکر را به میان آوردم. امروز شما ببینید این یک گفتمان است، یک مطالبه‌ی عمومی است، یک خواست همه‌ی دانشگاه‌های کشور است؛ که من هر جا هم می‌روم، از زبان

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد؛ سال ۱۳۸۶

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار استادان و دانشجویان کردستان؛ ۱۳۸۸

دانشجو مطالبه‌اش را می‌شنوم؛ از زبان استاد و مدیر، اجرایش را در یک مرحله‌ی دیگر می‌شنوم، و اجراء هم دارد می‌شود. همین نوآوری‌های علمی بسیار، بخشی از انگیزه و توان خودش را از این شعار گرفته: «تصمیم‌سازی کنید»، «گفتمان‌سازی کنید». این، مجری و مسئولین اجرائی را می‌کشاند دنبال این تصمیم، و تصمیم‌گیری خواهند کرد و عمل خواهد شد.^۱

از این رو گفتمان‌سازی سیاست پیشرفت علمی همواره مورد نظر رهبر انقلاب است:

«بارها عرض کردیم و گفتم، ده‌ها و صدها بار دیگر هم باز خواهیم گفت، و شما هم بگویید و دنبالش بروید؛ و کاری کنید که این‌ها عرف ذهنی متعارف جامعه بشود. به تعبیر متعارف، «علم‌گرایی و علم‌محوری» در همه‌ی بخش‌ها گفتمان مسلط جامعه بشود».^۲

همین مسئله را می‌توان در مواردی مانند: سبک زندگی؛ تحول بنیادین در علوم انسانی؛ عدالت خواهی؛ مسئله‌ی جمعیت و مانند آن دنبال کرد.

۳- جمع و طرح دوگانه‌های فکری

یکی دیگر از خطوط که در سیاست‌گذاری‌های غیر رسمی رهبر انقلاب قابل تشخیص است تلاش نظری برای نشان دادن غیرواقعی بودن شکاف‌های سیاسی اجتماعی مخمل این سیاست‌ها و بازتولید معرفتی شکاف‌هایی است که به پیشبرد سیاست‌های کلان نظام جمهوری اسلامی کمک می‌کند. این جمع دوگانه‌انگاری‌های و طرح دوگانه‌های محوری را در موارد متعددی در بیانات رهبر انقلاب می‌توان سراغ گرفت.

۱،۳ نقد دو انگاری اصول‌گرا - اصلاح طلب

در اینجا می‌توان به دوگانه انگاشته شده‌ی اصول‌گرایی - اصلاح طلبی اشاره

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز؛ ۱۳۸۷

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی؛ ۱۳۸۵ / ۰۵ / ۲۳

کرد که با ایجاد رقابت منفی میان کنش‌گران سیاسی عملاً مانع پیشبرد سیاست‌های نظام می‌شود. از این منظر است که مقام معظم رهبری در طرح دوگانه‌ی اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی را علیرغم همه رواج آن در ادبیات وقت و هم‌اکنون حزبی - سیاسی «غلط» می‌خوانند:

«بنده دعوی اصلاح‌طلب و اصول‌گرا را هم قبول ندارم؛ من این تقسیم‌بندی را غلط می‌دانم. نقطه‌ی مقابل اصول‌گرا، اصلاح‌طلب نیست؛ نقطه مقابل اصلاح‌طلب، اصول‌گرا نیست.»^۱ یا در جای دیگری می‌فرمایند: «این غلط است که ما کشور یا فعالان سیاسی را به اصول‌گرا و اصلاح‌طلب تقسیم کنیم.»^۲

۳،۲ نقد دوانگاری اسلامیت - جمهوریت

اسلامیت و جمهوریت نیز از دوگانه‌های غلط است که به نوعی در تداوم دوگانه‌ی غلط اصول‌گرا-اصلاح‌طلب صورت‌بندی شده و خود موجد دوگانه‌هایی همچون مشروعیت-مقبولیت است. مباحثی که در دوره‌ای و حتی تا هم‌اکنون شکاف‌های اصلی و اساسی جریان‌ها و اندیشه‌های سیاسی موجود در جمهوری اسلامی حول این‌ها شکل می‌گرفت.

رهبر انقلاب اما این دوگانه‌ها را قبول نداشتند: «جمهوری اسلامی یک مرکب انضمامی نیست که ترکیبی باشد از چیزی به نام «جمهوری» و «اسلامی» تا یکی بگوید که من طرفدار جمهوریتم بیشتر، یکی بگوید من طرفدار اسلامیتم بیشتر؛ بلکه جمهوری اسلامی یک حقیقت است؛ آن جمهوری است، آن اتکا به آراء عمومی است که خدا آن را مقرر کرده است»^۳

و گاه فراتر از نقد، کار به نفی این دوگانه‌نگاری‌ها کشیده می‌شد و ایشان از «کسانی» سخن می‌گفتند که در صدد بازتولید این دوگانه‌ی کاذب

۱ - بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان؛ ۱۳۸۴

۲ - بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری ۱۳۸۵

۳ - بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان ۱۳۸۰/۱۲/۲۳

هستند: «البته از طرف کسانی سعی شده که بین جمهوریت نظام و اسلامیت، رقابتی به وجود بیاورند. یک جا بعضی‌ها بگویند روی اسلامیت تکیه شد، جمهوریت تضعیف شد؛ یک عده هم بگویند روی جمهوریت تکیه شد، اسلامیت تضعیف شد. این طوری نیست.»^۱

اما و رای همه‌ی اقتراح‌هایی که در چارچوب این دوگانه‌ی شکل می‌گرفت، یک پیش فرض پنهان وجود داشت: «انضمامی بودن ترکیب جمهوری اسلامی»؛ اختلاف تنها در این بود که دو نگاه، هر یک طرفدار بخشی از این ترکیب انضمامی بود. صورت ایدئولوژیک این نزاع در میان جوانان و منافع طبقاتی آن در میان اشرافیت سیاسی بهره‌مند از مزایای این «رقابت کاذب»، آن‌چنان عمیق بود که گویی این نقدها و نفی‌های رهبری را از دیده‌ها پنهان می‌کرد.

۳,۳ نقد دوانگاری مشروعیت-مقبولیت

همچنین در تمام این مدت، به موازات این مباحث، رهبر انقلاب در گفتارهای متعددی که مفهوم مردم‌سالاری دینی را پیش کشیده و تئوریزه می‌کردند، برای دوگانه‌ی مشروعیت-مقبولیت، مدخلیتی در بحث‌هاشان قائل نبودند و به آن نمی‌پرداختند. در صورتی که این دوگانه از سوی دو سوی این گفت و گو، از محوری‌ترین مباحث شمرده می‌شد. گویی این نقطه‌ی اشتراک را داشتند که بحث‌های طولانی از مشروعیت-مقبولیت یکی از پایه‌های بنیادین این بحث است. گاه می‌شد که رهبری علاوه بر نادیده انگاشتن این دوگانه، به تلویح مباحث آن را هم نقد کرده، و مفاهیم جایگزین در تئوری «مردم‌سالاری برخاسته از انقلاب اسلامی» مانند «عدالت‌خواهی» را به مثابه پایه‌ی مشروعیت پیش می‌کشیدند: «الان درباره‌ی مشروعیت حرف‌های زیادی زده می‌شود، بنده هم از این حرف‌ها بلدم؛ اما حقیقت قضیه این است که اگر ما دنبال

عدالت نباشیم، حقیقتاً من که اینجا نشسته‌ام، وجودم نامشروع خواهد بود؛ یعنی هرچه اختیار دارم و هرچه تصرف کنم، تصرف نامشروع خواهد بود؛ دیگران هم همین‌طور. ما برای عدالت و رفع تبعیض آمده‌ایم.»^۱

همین نگاه انتقادی رهبر انقلاب را در نقد اولویت پیشرفت بر عدالت^۲ بر اساس دو انگاری پیشرفت و عدالت و نقد دو انگاری عدالت و معنویت^۳ می‌توان دنبال کرد.

۳،۴ طرح دوگانه‌ی اسلام ناب - اسلام آمریکایی در فهم امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی

از طرف دیگر رهبر انقلاب تلاش می‌کنند با صورت‌بندی مفهومی شکاف‌هایی اساسی پیش‌روی نظام جمهوری اسلامی، این دو گانه‌های واقعی را احیا کنند. به عنوان نمونه می‌توان به تعبیری که ایشان از کلیت مدرسه‌ی فکری امام خمینی (ره) و بستر معرفتی انقلاب اسلامی ارائه می‌دهند اشاره کرد، آنجا که در پیام اولین رحلت امام خمینی (ره) می‌نویسند:

«در مدرسه‌ی انقلاب که امام ما بنیان‌گذار، بساط اسلام سفیانی و مروانی، اسلام مراسم و مناسک میان‌تهی، اسلام در خدمت زر و زور و خلاصه اسلام آلت دست قدرت‌ها و آفت جان ملت‌ها برچیده شده و اسلام قرآنی و محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم)، اسلام عقیده و جهاد، اسلام خصم ظالم و عون مظلوم، اسلام ستیزنده با فرعون‌ها و قارون‌ها و خلاصه، اسلام کوبنده‌ی جباران و برپاکننده‌ی حکومت مستضعفان، سر بر کشیده است.

۱- بیانات در ۱۳۸۲/۶/۵

۲- به عنوان نمونه ن. ک به: «من این را صریحاً عرض می‌کنم که در جمهوری اسلامی، سیاست‌ها براساس عدالت تنظیم می‌شود. می‌باید کسانی در گوشه و کنار کشور پیدا شوند و تصور کنند که هدف ما عبارت است از افزایش حجم ثروت مادی! یعنی عده‌ای از انواع و اقسام راه‌های تولید ثروت برخوردار شوند؛ دیگران هم هرطور زندگی کردند، کردند ما هم دلمان به این خوش باشد که سرانه‌ی متوسط کشور را از فلان مقدار به دو برابر، یا تولید کل کشور را از فلان میزان به فلان میزان رسانده‌ایم. هرگز چنین نیست!» بیانات، سال ۱۳۷۱

۳- به عنوان نمونه ن. ک به: بعضی‌ها اهل معنا نیستند، اما هیچ‌نگاهی به عدالت ندارند؛ این نمی‌شود. اسلام، معنویت بدون نگاه به مسائل اجتماعی و سرتوشت انسانها ندارد؛ بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت؛ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸

در انقلاب اسلامی، اسلام کتاب و سنت، جایگزین اسلام خرافه و بدعت؛ اسلام جهاد و شهادت، جایگزین اسلام قعود و اسارت و ذلت؛ اسلام تعبد و تعقل، جایگزین اسلام التقاط و جهالت؛ اسلام دنیا و آخرت، جایگزین اسلام دنیاپرستی یا رهبانیت؛ اسلام علم و معرفت، جایگزین اسلام تحجر و غفلت؛ اسلام دیانت و سیاست، جایگزین اسلام بی‌بندوباری و بی‌تفاوتی؛ اسلام قیام و عمل، جایگزین اسلام بی‌حالی و افسردگی؛ اسلام فرد و جامعه، جایگزین اسلام تشریفاتی و بی‌خاصیت؛ اسلام نجات‌بخش محرومین، جایگزین اسلام بازیچه‌ی دست قدرت‌ها؛ و خلاصه اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم)، جایگزین اسلام امریکایی گردید.^۱

۴- مسئله محوری

عنصر مهم دیگری که نوعی تمرکز اجتماعی بر سیاست‌های کلان نظام جمهوری اسلامی ایجاد می‌کند، مقوله‌ای است که می‌توان از آن به مسئله محوری یاد کرد. این رویکرد همواره مسائل عینی و اصلی جامعه و پاسخ‌هایی که در چارچوب سیاست‌های کلی نظام به آن داده می‌شود را در «کانون توجه افکار عمومی»^۲ جامعه قرار می‌دهد.

در تشریح این رویکرد می‌توان دو سطح از مسئله محوری را از هم تمییز داد: در یک سطح از این رویکرد مسئله محوری از منظر شکاف نظر-عمل مورد نظر است. در این سطح «غیر» مسئله عبارت است از «بحث‌های ذهنی»، «مباحث تئوریک بدون توجه به خارج» و فاقد مابه‌ازاء عینی. به عنوان نمونه ایشان در زمینه الگوی پیشرفت به صراحت به این نکته اشاره کرده و می‌فرمایند:

۱- پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۶۹/۰۳/۱۰

۲- بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۱۳۹۰/۰۱/۰۱

در بسیاری از اوقات یک مسئله‌ی اصلی در کشور وجود دارد که همه باید همت کنند و به سراغ این مسئله‌ی اصلی بروند؛ باید مسئله‌ی کانونی کشور این باشد؛ اما ناگهان می‌بینیم از یک گوشه‌ای یک صدایی بلند می‌شود، یک مسئله‌ی حاشیه‌ای درست می‌کنند، ذهن‌ها متوجه آن می‌شود...مسائل حاشیه‌ای نباید به میان بیایند. مردم ما خوشبختانه قدرت تحلیل دارند، هوشمندند، هوشیارند؛ می‌توانند مسائل فرعی و حاشیه‌ای را از مسائل اصلی جدا کنند. توجه شود مسائل حاشیه‌ای کانون توجه افکار عمومی قرار نگیرد.

«برای اینکه ما بتوانیم نسخه‌ی درست پیشرفت را پیدا کنیم، چه لازم داریم؟ بحث نظری. این، یکی از آن کارهایی است که شماها باید بکنید. پیشرفت یک کشور چیست؟ البته مقصودم این نیست که در بحث‌های ذهنی و باز بیفتیم و همین‌طور خودمان را معطل مباحث ذهنی بکنیم؛ مباحث تئوریک بدون توجه به خارج و واقعیات؛ نه، این‌ها را نمی‌خواهم، این غلط است.»^۱

در این سطح از مسئله محوری، «پرداختن به کارهایی که به جنبه‌های عملی زندگی مردم ارتباطی ندارد، یک کار مسرفانه» تلقی می‌شود.^۲

سطح دیگری از مسئله محوری ماهیت نظری داشته و در برابر تمایز مسئله اصلی - مسئله فرعی دنبال می‌شود. در این سطح «غیر» مسئله عبارت است از «مسائل فرعی» و فاقد اولویت در نظام معرفتی:

«جدا کردن مسائل اصلی از فرعی، مسائل درجه‌ی یک از مسائل درجه‌ی دو، سرگرم نشدن به مسائلی که از اولویت برخوردار نیستند و شناختن این مسائل، از عرصه‌های شور و شوق دانشجویی و دانشگاهی است. اگر شما می‌بینید در بیرون کسانی احیاناً به مسائل فرعی سرگرم می‌شوند، خودشان را مشغول می‌کنند، محیط دانشگاه باید بتواند در این زمینه داوری درستی داشته باشد: آقا این مسئله اصلی است، این مسئله فرعی است؛ این مسئله از اولویت برخوردار است، این مسئله از اولویت برخوردار نیست. محیط دانشجویی، یک چنین محیطی است. این معنایش این نیست که حتماً بر همه‌ی این جمع دانشجویی، فکر واحدی حاکم باشد؛ نه، ممکن است اختلاف نظر وجود داشته باشد؛ شما می‌گویید این مسئله از اولویت برخوردار نیست، دیگری می‌گوید هست؛ خیلی خوب، محیط، محیط بحث است؛ همین، نشاط ایجاد می‌کند.»^۳

آنچه باید مورد اتمام بوده و از اهمال در آن پرهیز شود مسائل اصلی نظام است:

۱- بیانات ۱۳۸۵/۰۸/۱۸

۲- بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان ۱۳۸۱/۰۲/۱۱

۳- بیانات در دیدار دانشجویان؛ ۱۳۹۲/۰۵/۰۶

«روی مسئله‌ی اصلی نظام و نقشه‌ی نظام و کلیت نظام هیچ اهمالی را نباید روا بداریم. مسائل درجه‌ی دوئی وجود دارد که البته اینها را می‌توان حل کرد.»^۱

یکی از بصیرت‌های خاصی که رهبر انقلاب در این زمینه مطرح می‌کنند تحلیل قیام امام حسین (ع) در چارچوب تمییز مسئله‌ی اصلی از مسئله‌ی فرعی است که نشان دهنده‌ی عمق اهمیت این مسئله است:

«حسین بن علی علیه الصَّلَاة و السَّلَام، در یک فصل بسیار حسّاس تاریخ اسلام، وظیفه اصلی را از وظایف گوناگون و دارای مراتب مختلف اهمیت، تشخیص داد و این وظیفه را به انجام رساند. او در شناخت چیزی که آن روز دنیای اسلام به آن احتیاج داشت، دچار توهم و اشتباه نشد. در حالی که این، یکی از نقاط آسیب‌پذیر در زندگی مسلمین، در دوران‌های مختلف است؛ یعنی اینکه، آحاد ملت و راهنمایان آن‌ها و برجستگان دنیای اسلام، در برهه‌ای از زمان، وظیفه اصلی را اشتباه کنند. ندانند چه چیز اصلی است و باید به آن پرداخت و باید کارهای دیگر را اگر لازم شد فدای آن کرد؛ و چه چیز فرعی و درجه دوم است و هر حرکت و کاری را به قدر خود آن باید اهمیت داد و برایش تلاش کرد.»^۲

۵- بازتعریف دال مرکزی گفتمان‌ها

دشوار است بتوان تصویر روشنی از برآمدن و افول گفتمان‌های مختلف در جامعه‌ی پس از انقلاب اسلامی دست داد و دشوارتر آن که خواسته باشیم میان این فراگرد و آمد و شد دولت‌ها را توضیح دهیم. حتی تحلیل و تمایز ماهیت گفتمانی یا غیرگفتمانی اندیشه‌ها و شعارهای دولت‌های مختلف نیز مجال خاص خود را می‌طلبد. با این حال به طور کل می‌توان گفت از اقتضائات خاص دوران دفاع مقدس که بگذریم چهار دولت عمده‌ی پس

۱- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۱۳۸۸/۱۲/۰۶

۲- بیانات در دیدار جمعی از روحانیون؛ ۱۳۷۱/۰۵/۰۷

از جنگ را می‌توان با چهار گفتمان یا شبه گفتمان سازندگی، اصلاحات، عدالت و اعتدال تمایز داد. در هر یک از دوره‌ها گفتمان‌هایی با دال مرکزی این مفاهیم در جامعه مطرح و به نوعی به یک خواست عمومی در جامعه یا بخش‌هایی از آن بدل می‌شود.

یکی از اقدامات مهم رهبری بازتعریف دال مرکزی این گفتمان‌ها در چاقوب گفتمان انقلاب اسلامی و به مثابه زمینه‌ی تحقق سیاست‌های اصلی نظام است.

۵،۱ سازندگی

رهبری با ارائه‌ی تحلیلی اجتماعی بر بستری از بازخوانی تاریخ صدر اسلام تلاش می‌کنند معنایی صحیح از سازندگی را باز تعریف کنند: «عده‌ای مسائل را اشتباه گرفته‌اند سازندگی را با مادی‌گرایی، اشتباه گرفته‌اند. سازندگی چیزی است، مادی‌گری چیز دیگری است. سازندگی یعنی کشور آباد شود، و طبقات محروم به نوایی برسند.» ایشان در ادامه به وضوح مسئله «دو نوع سازندگی» را مطرح می‌کنند، و صراحتاً می‌پرسند: «این سازندگی است؟»: «سازندگی، کاری بود که علی بن ابی طالب علیه‌السلام داشت؛ ... این، سازندگی است! دنیاطلبی و مادی‌طلبی، کاری است که عیب‌الله زیاد و یزید می‌کردند.... این دو را باهم اشتباه نباید کرد. امروز عده‌ای به اسم سازندگی خودشان را غرق در پول و دنیا و ماده‌پرستی می‌کنند. این سازندگی است؟!» بر اساس این دیدگاه انقلاب اسلامی هم ممکن است با سازندگی مادی‌گرایانه به همان سرنوشتی دچار شود که انقلاب صدر اسلام دچار شد. سرنوشتی که در آن نیم قرن پس از پیامبر(ص) فرزندش به مسلخ می‌رود: «ما هم ممکن است به این درد دچار شویم. اگر در جامعه اسلامی، آن حالت آرمان‌خواهی از بین برود یا ضعیف شود؛ هر کس به فکر این باشد که کلاهش را از معرکه در ببرد و از دیگران در دنیا عقب نیفتد؛ اینکه دیگری جمع کرده است، ما هم برویم جمع کنیم و خلاصه خود و مصالح خود را

بر مصالح جامعه ترجیح دهیم، معلوم است که به این درد دچار خواهیم شد. نظام اسلامی، با ایمان‌ها، با همت‌های بلند، با مطرح شدن آرمان‌ها و با اهمیت دادن و زنده نگه داشتن شعارها به وجود می‌آید و حفظ می‌شود و پیش می‌رود. شعارها را کم رنگ کردن؛ اصول اسلام و انقلاب را مورد بی‌اعتنایی قرار دادن و همه چیز را با محاسبات مادی مطرح کردن و فهمیدن، جامعه را به آنجا خواهد برد که به چنان وضعی برسد. «نقطه هشدار رهبر انقلاب در این جا دقیقاً انزوای نیروهای انقلاب و بسیجی و به حاشیه راندن آن‌هاست همان وضعی که در اثر سیطره‌ی عقلانیت تکنوکرات در دستگاه‌های دولتی روی داده بود: «اگر این ارزش‌ها را نگه داشتید، نظام امامت باقی می‌ماند. آن وقت امثال حسین بن علی علیه الصَّلَاة و السَّلَام، دیگر به مذبح برده نمی‌شوند. اما اگر این‌ها را از دست دادیم چه؟ اگر روحیه‌ی بسیجی را از دست دادیم چه؟ اگر به جای توجه به تکلیف و وظیفه و آرمان الهی، به فکر تجملات شخصی خودمان افتادیم چه؟ اگر جوان بسیجی را، جوان مؤمن را، جوان با اخلاص را که هیچ چیز نمی‌خواهد جز اینکه میدانی باشد که در راه خدا مجاهدت کند در انزوا انداختیم و آن آدم پر روی افزون‌خواه پرتوقع بی‌صفای بی‌معنویت را مسلط کردیم چه؟ آن وقت همه چیز دگرگون خواهد شد. اگر در صدر اسلام فاصله‌ی بین رحلت نبی اکرم -صلوات الله و سلامه علیه- و شهادت جگر گوشه‌اش پنجاه سال شد، در روزگار ما، این فاصله، خیلی کوتاه‌تر ممکن است بشود و زودتر از این حرف‌ها، فضیلت‌ها و صاحبان فضایل ما به مذبح بروند. باید نگذاریم... نگذاریم روح انقلاب در جامعه منزوی و فرزند انقلاب گوشه گیر شود.» و باز هم تأکید بر دو سازندگی: «این را می‌گویند «سازندگی». این، یک مجاهدت است، یک جهاد فی سبیل الله است. هر کس که در این مجاهدت شرکت کند، جهاد کرده است. کسی که در راه اداره و حفظ جامعه‌ی اسلامی که یک واجب بزرگ است گامی برداشته، خیلی باارزش است. اما آن طرف قضیه، مادی‌گری است، ماده‌پرستی است، دنیاطلبی است. آن، یک حرف دیگر است.» در این جا کاملاً روشن است که رهبر انقلاب به سازندگی از نوع جهادسازندگی که در آن عقلانیت و انسان‌های انقلابی بسیجی مطرح هستند، اشاره

دارند. به هر حال شکست اجتماعی انقلاب، چیزی نیست که قابل پیش‌بینی نبوده باشد، لذا پیشنهاد ایشان همان فرمول نهادهای انقلاب و سازندگی به سبک جهاد سازندگی است: «همین نیروهای مؤمن و بسیجی و حزب‌اللهی؛ یعنی همین عامه‌ی مردم مؤمن؛ یعنی همین اکثریت عظیم کشور عزیز ما؛ همین‌هایی که جنگ را اداره کردند؛ همین‌هایی که از اول انقلاب تا به حال با همه‌ی حوادث مقابله کردند، در این مورد [سازندگی] مهم‌ترین نقش را می‌توانند داشته باشند. همین نیروهای مردمی، که اگر نبودند این بسیج اگر نبود، این نیروی عظیم حزب‌الله اگر نبود در جنگ هم شکست می‌خوردیم؛ در مقابل دشمنان گوناگون هم در این چند سال شکست می‌خوردیم و آسیب‌پذیر بودیم. کارخانه‌ی ما را می‌خواستند به تعطیلی بکشاند؛ نیروی حزب‌اللهی از داخل کارخانه می‌زد به سینه‌شان. مزرعه‌ی ما را در اوایل انقلاب می‌خواستند آتش بزنند؛ نیروی حزب‌اللهی از همان وسط بیابان‌ها و روستاها و مزارع، می‌زد توی دهانشان. خیابان‌ها را می‌خواستند به اغتشاش بکشند؛ نیروی حزب‌اللهی می‌آمد سینه سپر می‌کرد و در مقابلشان می‌ایستاد. جنگ هم که معلوم است! این، آن نیروی اصلی کشور است».

ضمانت تحقق معنای صحیح سازندگی نیز روشن است:

«امروز عده‌ای به اسم سازندگی خودشان را غرق در پول و دنیا و ماده‌پرستی می‌کنند. این سازندگی است؟... بسیجی باید در وسط میدان باشد تا فضیلت‌های اصلی انقلاب زنده بماند... چندی پیش گفتم: «همه امر به معروف و نهی از منکر کنند.» الان هم عرض می‌کنم: نهی از منکر کنید. این، واجب است. این، مسئولیت شرعی شماست. امروز مسئولیت انقلابی و سیاسی شما هم هست».

۵،۲ اصلاحات

از نظر رهبر انقلاب تعریف دقیق دال مرکزی گفتمان دولت‌ها اهمیت زیادی دارد:

«امروز مسأله‌ی اصلاحات که یک موضوع روز برای همه است در کشور مطرح است. افراد زیادی دم از اصلاحات می‌زنند و برای آن تلاش می‌کنند. اصلاحات چیست؟ راه رسیدن به اصلاحات کدام است؟ اولویت‌های اصلاحات چیست؟ این‌ها مسائل بسیار مهمی است»^۱.

گفتمان دولت‌ها زمینه‌ای برای اقدامات عملی آن‌ها به عنوان مجری بخش عمده‌ای از سیاست‌ها کلان نظام خواهد بود. از این روی تعریف این زمینه از اهمیت بسیاری در اجرایی کردن این سیاست‌ها برخوردار است:

«اصلاحات یکی از واژه‌هایی است که همیشه پُر جاذبه بوده است. دولت جدید از اولی که آمد، مسأله‌ی اصلاحات را مطرح کرد. همه‌ی انسان‌هایی که از هر فسادی رنج می‌برند، دلشان با این شعار می‌تپد و طرفدار اصلاحاتند. اصلاحات چیز بسیار خوبی است؛ اما اصلاحات چیست؟ اینجاست که باز دشمن پا در میانی می‌کند. ... حرف قاطع در این زمینه، یک کلمه است: اصلاحات، یا اصلاحات انقلابی و اسلامی و ایمانی است و همه‌ی مسئولان کشور، همه‌ی مردم مؤمن و همه‌ی صاحب‌نظران با آن موافقتند؛ یا اصلاحات، اصلاحات امریکایی است و همه‌ی مسئولان کشور، همه‌ی مردم مؤمن و همه‌ی آحاد هوشیار ملت با آن مخالفتند»^۲.

رهبری انقلاب در واقع با طرح دوگانه‌ی اصلاحات انقلابی-اصلاحات آمریکایی به بازتعریف گفتمان اصلاحات در چارچوب اندیشه‌ی انقلاب اسلامی کمک می‌کنند. در این زمینه ایشان با عبور از دوگانه اصلاح انقلاب از مفهوم اسلامی «اصلاحات» سخن می‌گویند و این که اصلاحات در ذات انقلاب اسلامی قرار دارد:

«گرچه در اصطلاحات سیاسی دنیا، «انقلاب» را در مقابل «اصلاح» قرار می‌دهند؛ اما من با آن اصطلاح نمی‌خواهم حرف بزنم. من اصلاح با اصطلاح اسلامی را مطرح می‌کنم. خود انقلاب، بزرگترین اصلاح است.

۱- بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۳۷۹

۲- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران؛ ۱۳۷۹

تداوم اصلاحات، در ذات و هویت انقلاب نهفته است. ... انقلاب که بدون اصلاح امکان ندارد. هیچ جامعه‌ی انسانی، بدون اصلاح امکان ندارد. از اوّل انقلاب همه آرزو داشتند که اصلاحات به وجود آید. هر کس هم به قدر همت خود کاری کرده است. امروز هم دولتی آمده و شعار خودش را «اصلاحات» قرار داده است. بسیار خوب؛ من می‌دانم که مسئولان این دولت کسانی که شعار اصلاح دارند؛ از جمله رئیس‌جمهور محترم مقصودشان از اصلاحات چیست. آن‌ها همین اصلاحات اسلامی را می‌خواهند.^۱

تعریف اصلاحات به عنوان بستر سیاست‌های عمومی دولت وقت و ایجاد توافق عمومی بر روی آن از زمینه‌های اصلی تأکید رهبری در این روند است: «مطلب دوم این است که اصلاحات باید تعریف شود. اولاً برای خود ما که می‌خواهیم اصلاحات کنیم، تعریف شود و مشخص باشد که می‌خواهیم چه کار کنیم. ثانیاً برای مردم تعریف شود که منظور ما از اصلاحات چیست، تا هر کسی نتواند به میل خودش اصلاحات را معنا کند. این جزو کارهایی است که مجموعه‌ای از مسئولان دولتی، دستگاه قضائی و مجلس و غیره می‌توانند انجام دهند. باید تعریف مشخصی از اصلاحات به وجود بیاید تا ترسیم آن چهره و وضعیتی که ما در نهایت جاده‌ی اصلاحات می‌خواهیم به آن برسیم، برای همه هم مردم، هم مسئولان آسان شود و بدانند به کجا می‌خواهند برسند».^۲

ایشان در این زمینه به نقد اصلاحات گورباچف در شوروی سابق می‌پردازند؛ اینکه فقدان مبانی نظری و الگوهای عملی کار اصلاحات در شوروی را به سوی الگوهای غربی و فروپاشی کشانده است. مسئله‌ای که در نامه‌ی امام (ره) به وی نیز مورد تأکید قرار گرفته بود:

«اشکال کار آقای گورباچف این بود که عیوب و اشکالات را می‌دانست؛ اما تصویر روشنی از آنچه که باید انجام گیرد، نداشت؛ اگر هم داشت، مردمش آن تصویر را نمی‌دانستند. بنابراین اگر تعریف مشخصی از اصلاحات

۱- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران؛ ۲۶/۰۱/۱۳۷۹

۲- بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران؛ سال ۱۳۷۹

نشود، الگوهای تحمیلی غلبه خواهد کرد؛ همان اتفاقی که در شوروی افتاد؛ چون نمی دانستند چه کار می خواهند بکنند؛ لذا به سراغ تقلید ناشیانه‌ی اصلاحات در الگوها و مدل‌های غربی رفتند و به آن‌ها پناه بردند. امام بزرگوار ما هوشمندانه این ضعف را در آن‌ها تشخیص دادند؛ لذا در نامه‌ای که ایشان به گورباچف نوشتند، این نکته را متذکر شدند. ایشان نوشتند شما اگر بخواهید گره‌های کور اقتصاد سوسیالیسم و کمونیسم را با پناه بردن به کانون سرمایه‌داری غرب حل کنید، نه تنها دردی از جامعه‌ی خود را دوا نخواهید کرد، بلکه دیگران باید بیایند و اشتباهات شما را جبران کنند؛ چرا که امروز اگر مارکسیسم در روش‌های اقتصادی و اجتماعی به بن‌بست رسیده است، دنیای غرب هم در این مسائل البته به شکلی دیگر و نیز در مسائل دیگر گرفتار حادثه است. اینکه بنده مکرر می‌گویم امام یک حکیم واقعی بود، به این خاطر است. در آن جنجال تبلیغاتی رسانه‌ای جهان، نکته‌ی اصلی را امام تشخیص داد.^۱

ایشان فراگرد تعریف مفهوم اصلاحات را به دقت دنبال نموده و نسبت به کلی‌گویی در تعریف اصلاحات هشدار می‌دهند:

«البته خوشبختانه برخی از مسئولان، و بیش از همه رئیس‌جمهور عزیزمان، بارها گفته‌اند که اصلاحات ما اصلاحات اسلامی و انقلابی است؛ هدف، رسیدن به مدینه النبی است. این‌ها خوب است، اما تعریف‌های دقیق‌تر و تصویر روشن‌تری لازم است. این‌ها از این جهت خوب است که انگشت اشاره‌ی غربی‌ها و بیگانه‌ها را می‌خواباند؛ معلوم می‌شود آنچه که آن‌ها می‌گویند، مراد نیست. همه این را می‌فهمند، اما باید توضیح داده شود و بیشتر تصویر گردد.»^۲

در ادامه رهبر انقلاب با توجه به مبانی انقلاب و نیازهای کشور، تعریف اصلاحات را در چارچوب مبارزه با سه‌گانه‌ی فقر، فساد و تبعیض پیش

۱- بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران؛ سال ۱۳۷۹

۲- بیانات، سال ۱۳۷۹، ص: ۷۱

می‌کشند: «اصلاحات باید تعریف شود. اصلاح واقعی در این کشور این است که فقر ریشه کن شود؛ تبعیض وجود نداشته باشد و فساد اداری و اقتصادی نباشد».^۱ یا در جای دیگری می‌فرمایند: «آماج این مبارزه، سه چیز است: یکی فقر است، یکی فساد است و یکی تبعیض. اگر با فقر و فساد و تبعیض در کشور، مبارزه شود، اصلاحات به معنای حقیقی اصلاحات انقلابی و اسلامی تحقق پیدا خواهد کرد».^۲

ایشان به این تعریف کلان از اصلاحات بسنده نکرده و فهرستی از اصلاحات ذیل این تعریف سه‌گانه را این چنین بر می‌شمرند:

«باید رشوه و ارتشاء وجود نداشته باشد؛ اگر بود، فساد است و باید اصلاح شود. راه‌های کسب ثروت باید مشروع باشد. اگر کسانی از راه‌های نامشروع کسب ثروت کردند، این فساد است و باید اصلاح شود. اگر کسانی از امتیازات بی‌جا استفاده کردند، ثروت‌های بادآورده به دست آوردند و دیگران را به قیمت اینکه خودشان ثروتمند شوند، فقیر کردند، این فساد است و باید اصلاح شود. اگر در جامعه امتیازات انحصاری به وجود آوردند و همه نتوانستند از فرصت‌های برابر استفاده کنند، این فساد است و باید اصلاح شود. اگر امنیت شغلی و ثبات مقررات نبود؛ اگر انسانی که می‌خواهد در جامعه کار کند، دست و پایش را بستند و برای تلاش کردن، به او فرصت ندادند، این‌ها فساد است و باید اصلاح شود. اگر در جامعه گرایش مصرفی رو به رشد است، این فساد است. اگر در تلاش‌های اقتصادی، دلّالی بر تولید ترجیح دارد، این فساد است. این‌ها را باید اصلاح کرد. اصلاحات این‌هاست».^۳

از نظر ایشان این تعریف واقعی از اصلاحات در برابر اصلاحات آمریکایی و خواست آمریکا قرار دارد:

«اساس اصلاحات این است که ما با فقر و فساد و تبعیض مبارزه کنیم.

۱- بیانات در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه‌ی سراسر کشور؛ سال ۱۳۸۱

۲- بیانات در جمع مردم استان اردبیل؛ سال ۱۳۷۹

۳- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران؛ سال ۱۳۷۹

هر اصلاحاتی- اگر واقعاً اصلاحات باشد- بر محور این می‌چرخد. بدترین فسادها در جامعه، رواج فقر و افزایش شکاف بین فقیر و غنی است. بدترین فسادها در جامعه این است که کسانی دچار فساد مالی و اقتصادی شوند و از بیت‌المال مردم برای منافع شخصی و پُر کردن جیب خود تغذیه کنند. بزرگترین فسادها این است که در اجرا و اعمال قانون در جامعه تبعیض باشد و به شایستگی‌ها و صلاحیت‌ها و قابلیت‌های افراد توجه نشود. همان فقر و فساد و تبعیضی که بارها عرض کرده‌ایم، مردم تأیید کردند که مبارزه‌ی با این‌ها، همان اصلاحات واقعی است. این را مردم می‌خواهند؛ اما آمریکایی‌ها این را نمی‌خواهند»^۱.

۳،۵ اصول‌گرایی

در اثر رسوخ دوگانه‌ی غلط اصول‌گرایی-اصلاح‌طلبی در فضای عمومی و سیاسی، دولت نهم که در مخالفت با سیاست‌های اعمالی دولت‌های سازندگی و اصلاحات در جامعه شکل می‌گیرد؛ به دولت اصول‌گرا معروف می‌شود. رهبر انقلاب بر نفی دوگانه‌ی غلط اصول‌گرا-اصلاح‌طلب تأکید می‌کنند: «اصول‌گرایی به حرف نیست؛ اصول‌گرایی در مقابل نحله‌های سیاسی رایج کشور هم نیست. این غلط است که ما کشور یا فعالان سیاسی را به اصول‌گرا و اصلاح‌طلب تقسیم کنیم: اصول‌گرا و فلان؛ نه»^۲.

و در ادامه با بیان اینکه: «نکته‌ی بعدی این است که این دولت به عنوان یک دولت «اصول‌گرا» شناخته شده»^۳ تلاش می‌کنند شاخصه‌های اصول‌گرایی به مثابه یک عقیده را در برابر اصول‌گرایی به مثابه یک قبیله تئوریزه کنند. در این جا هم در واقع رهبر انقلاب می‌کوشند شعار-گفتمان دولت که زمینه‌ی اجرایی بخش مهمی از سیاست‌های کلان نظام را شکل

۱- بیانات در دیدار جمعی از مدیران و مسئولان وزارت آموزش و پرورش؛ سال ۱۳۸۱

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی؛ سال ۱۳۸۵

۳- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت؛ سال ۱۳۸۵

می‌دهد در چارچوب گفتمان انقلاب بازتعریف کنند:

«شاخصه‌های اصول‌گرایی، شاخصه‌های مهمی است؛ این شاخصه‌ها باید مورد توجه قرار بگیرد، که من به بعضی از این‌ها اشاره می‌کنم. در اظهارات شما هم هست، آن را می‌گویید و تکرار می‌کنید و در برنامه‌هایتان می‌گنجانید.»^۱

سیس در ادامه در ۲۰ شاخص کلان اصول‌گرایی را تعریف می‌کنند. این اصول عبارتند از:

«عدالتخواهی و عدالت‌گستری»؛ «فسادستیزی»؛ «سلامت اعتقادی و اخلاقی مسئولان کشور»؛ «اعتزاز به اسلام»؛ «ساده‌زیستی و مردم‌گرایی»؛ «تواضع و نغلتیدن در گرداب غرور»؛ «اجتناب از اسراف و ریخت‌وپاش»؛ «خرد‌گرایی و تدبیر و حکمت در تصمیم‌گیری و عمل»؛ «مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی»؛ «اهتمام به علم و پیشرفت علمی»؛ «سعه‌ی صدر و تحمل مخالف»؛ «اجتناب از هواهای نفس»؛ «شایسته‌سالاری»؛ «نظارت بر عملکرد زیرمجموعه»؛ «تلاش بی‌وقفه برای این خدمات»؛ «قانون‌گرایی»؛ «شجاعت و قاطعیت در بیان و اعمال آنچه که حق است»؛ «انس با خدا»؛ «انس با قرآن»؛ «استمداد دائمی از خدا».

۵,۴ اعتدال

گرچه زمان زیادی از روی کار آمدن دولتی با شعار اعتدال نگذشته است؛ اما نشانه‌های این رویکرد رهبر انقلاب قابل ملاحظه است. ایشان در دیدار با هیئت دولت در این باره گفتند: «اعتدال همان اسلام است. یعنی مقابله شدید با کفار و مهربانی با یکدیگر، یعنی امر به معروف و نهی از منکر. اعتدال به این معنا نیست که از کارهایی که جریان مؤمن، احساس وظیفه می‌کند، جلوگیری کنیم.»^۲

۱- همان

۲- بیانات در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۲۳

البته رهبری انقلاب اسلامی در زمینه‌ی ارزیابی خط‌مشی‌ها نیز رویکردهای ابتکاری قابل توجهی دارند که زمینه را برای دست دادن یک ارزیابی عمومی از خط‌مشی‌ها فراهم می‌آورد. مقولاتی مانند بستر سازی برای امکان نقد؛ طرح مسئله‌ی پاسخگویی مسئولان اجرایی و پرسش‌گری و مطالبه‌ی عمومی، دعوت به نقد نهادهای زیر نظر رهبری مانند صدا و سیما، تلاش برای بسط نظری و عملی روز افزون نقش مردم در نظام جمهوری اسلامی و حمایت از حزب‌الله به مثابه توده‌ی مؤمن مردمی از این قبیل رویکردهاست که بررسی آن‌ها از موضوع نوشتار خارج است.

جمع‌بندی

به این اعتراف ضد انقلاب باز می‌گردیم و به این که «آقای خامنه‌ای به خوبی توانسته نظامی که آقای خمینی (ره) ایجاد کرد را حفظ کند» این را اضافه می‌کنیم که بخش عمده‌ایی از این موفقیت در چگونگی فرایند سیاست‌گذاری ایشان نهفته است. آن‌جا بستری کاملاً تحلیلی از مفاهیم کلیدی سیاست‌های کلان نظام را ابتدا در فضای عمومی جامعه به بحث می‌گذارند و تبدیل آن به یک ایده و مطالبه‌ی عمومی، ساختار رسمی و نهادهای مسئول را بدل به عاملیت این سیاست‌ها می‌کنند. آن‌چه در این رویکرد و مدل سیاست‌گذاری پررنگ است استفاده از ظرفیت‌های هنجارهای فرهنگ عمومی برای بازخوانی و طرح مفاهیم بنیادین سیاست‌گذاری‌هاست. امری که امکان آن از مختصات نظام امت و امامت است و بسط و بازتولید اجتماعی آن مسئولیت‌نخبگان در نظام امت و امامت است.